

توسعه فردی و تحول سازمانی

مطالعه جامعه‌شناختی پایداری نهاد خانواده در جامعه شهری اصفهان با رویکرد ساختارهای فرهنگی

الهه پرورش^۱، سید ناصر حجازی^۲، منصور حقیقتیان^۳

شیوه استناددهی: پرورش، الهه، حجازی، سید ناصر، و

حقیقتیان، منصور. (۱۴۰۵). مطالعه جامعه‌شناختی پایداری

نهاد خانواده در جامعه شهری اصفهان با رویکرد ساختارهای

فرهنگی. توسعه فردی و تحول سازمانی، ۴(۲)، ۲۶-۱.

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: n.hejazi@dehaghan.ac.ir

چکیده

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۶ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ آذر ۱۴۰۴

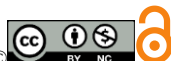
تاریخ بازنگری: ۲۸ آبان ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۱۰ مرداد ۱۴۰۴

هدف این پژوهش تبیین الگوی پایداری خانواده در شهر اصفهان با تأکید بر نقش ساختارهای فرهنگی و تحلیل چندلایه روابط تعاملی، نهادی و معنایی در بازتولید پایداری خانواده است. این پژوهش با رویکرد ترکیبی و استراتژی اکتشافی-متوالی اجرا شد. در مرحله کیفی، از روش نظریه زمینه‌ای سیستماتیک و مصاحبه نیمه-ساختاریافته با ۱۴ نفر از متخصصان حوزه خانواده استفاده شد و داده‌ها طی کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل گردید. در مرحله کمی، داده‌ها از طریق پیمایش و تکمیل پرسشنامه محقق‌ساخته توسط ۴۰۰ نفر از زوجین شهر اصفهان جمع‌آوری شد. ابزارهای سنجش مبتنی بر مفاهیم استخراج‌شده از مرحله کیفی تدوین و با شاخص‌های اعتبارسنجی (AVE، بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) ارزیابی شدند. تحلیل کمی با مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس‌محور در نرم‌افزار Smart PLS انجام شد. نتایج مرحله کمی نشان داد که عوامل فرهنگی در مجموع ۶۲ درصد از واریانس پایداری خانواده و موانع فرهنگی ۲۴ درصد از آن را تبیین می‌کنند. اثر عوامل فرهنگی بر پایداری خانواده مستقیم و معنادار و اثر موانع فرهنگی معکوس برآورد شد. نتایج آزمون تی-تک‌نمونه‌ای نشان داد که میانگین پایداری خانواده (۳.۷۱) به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط مقیاس است ($t=26.45, p<0.001$). همچنین ابعاد پایداری خانواده شامل زیست مشترک افق‌دار، هویت‌مندی خانواده، پیوستگی صمیمانه و تفاهم تعهدی زوجین همگی در سطحی بالاتر از میانگین نظری قرار گرفتند. پایداری خانواده در اصفهان پدیده‌ای چندلایه و فرهنگی-تعاملی است که از خلال معانی مشترک، مهارت‌های گفت‌وگویی، هنجارهای انسجام‌بخش و راهبردهای فرهنگی بازتولید می‌شود و تغییرات فرهنگی و مداخله رسانه‌ای می‌توانند این پایداری را تضعیف یا تقویت کنند.

کلیدواژگان: پایداری خانواده؛ ساختارهای فرهنگی؛ نظریه زمینه‌ای؛ شکاف فرهنگی؛ انسجام تعاملی؛ اصفهان.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

A Sociological Study of Family Sustainability in Urban Isfahan: A Cultural-Structural Approach

Elahe Parvaresh¹, Seyed Naser Hejazi^{2*}, Mansour Haghighatian²

1. PhD Student, Department of Sociology, Deh.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Department of Sociology, Deh.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: n.hejazi@dehaghan.ac.ir

How to cite: Parvaresh, E., Hejazi, S. N., & Haghighatian, M. (2025). A Sociological Study of Family Sustainability in Urban Isfahan: A Cultural-Structural Approach. *Personal Development and Organizational Transformation*, 4(2), 1-26.

Submit Date: 01 August 2025

Revise Date: 19 November 2025

Accept Date: 26 November 2025

Initial Publish: 27 November 2025

Final Publish: 22 June 2026

Abstract

This study aims to conceptualize and model family sustainability in Isfahan by examining the cultural structures shaping interactive, institutional, and meaning-based stability within families. The research employed a mixed-methods design with an exploratory sequential strategy. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 14 experts in family studies and analyzed using the systematic grounded theory approach, including open, axial, and selective coding. In the quantitative phase, a survey was conducted with 400 married residents of Isfahan using a researcher-made questionnaire derived from qualitative findings. Measurement instruments were validated using construct validity indices (AVE, factor loadings, Cronbach's alpha, composite reliability). Data analysis was carried out using variance-based structural equation modeling in Smart PLS. Quantitative results revealed that cultural factors explained 62% of the variance in family sustainability, while cultural barriers explained 24%. Cultural factors had a significant positive effect, whereas cultural obstacles had an inverse effect. One-sample t-tests indicated that the overall mean of family sustainability (3.71) was significantly higher than the theoretical midpoint ($t=26.45$, $p<0.001$). Sub-dimensions such as long-term joint life orientation, family identity, intimate cohesion, structural-semantic stability, and commitment-based understanding were also significantly above the scale midpoint. Family sustainability in Isfahan emerges as a multilayered cultural-interactive phenomenon, reproduced through shared meanings, communicative competencies, coherence-building norms, and culturally grounded strategies. Cultural shifts and media dominance can either weaken or reinforce this sustainability depending on the interplay of intervening conditions.

Keywords: *Family sustainability; cultural structures; grounded theory; cultural gap; interactive cohesion; Isfahan.*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

نهاد خانواده از دیرباز به عنوان بنیادی‌ترین رکن حیات اجتماعی بشر شناخته شده و جایگاهی بی‌بدیل در تولید انسجام، انتقال ارزش‌ها، اجتماعی‌سازی نسل‌های جدید و تضمین استمرار فرهنگی و اخلاقی جامعه داشته است. پایداری خانواده به معنای توانایی آن در حفظ انسجام، تعهد، کارکرد و هویت مشترک، همواره نشانه‌ای از سلامت اجتماعی و فرهنگی بوده است؛ امری که در جوامع معاصر تحت تأثیر تغییرات ساختاری، اقتصادی، فرهنگی و نسلی با چالش‌های جدی مواجه شده است. در عصر جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات، روابط خانوادگی بیش از هر زمان دیگری در معرض دگرگونی قرار گرفته و پایداری آن وابسته به شبکه پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی، نهادی و تعاملی شده است؛ شبکه‌ای که فهم دقیق آن نیازمند مطالعه‌ای عمیق و میان‌رشته‌ای است.

نظریه‌پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی نیز از همین منظر به اهمیت بنیانی خانواده اشاره کرده‌اند. دورکیم پایداری خانواده را نتیجه وجود «نظم اخلاقی مشترک» می‌داندست و معتقد بود هنگامی که تغییرات اجتماعی سریع‌تر از ظرفیت انطباق هنجارها رخ دهد، «آنومی» پدید می‌آید و این وضعیت به تضعیف انسجام و افزایش گسیختگی در روابط خانوادگی می‌انجامد (Durkheim, 2023). پارسونز نیز با تأکید بر دو کارکرد کلیدی خانواده یعنی اجتماعی‌سازی کودکان و ثبات شخصیت بزرگسالان نشان داد که خانواده حلقه واسط میان نظام فرهنگی و نظام اجتماعی است و هرگونه تغییر در ساختار ارزش‌ها به‌طور مستقیم پایداری خانواده را متأثر می‌سازد (Parsons, 2013). در همین راستا، بالز و پارسونز با تحلیل فرایند تعاملات درون‌خانوادگی بر نقش حیاتی الگوهای ارتباطی و ساختار نقش‌ها در پایداری خانواده تأکید کردند (Bales & Parsons, 2014). همچنین تونیس در تمایز میان «گمینشافت» و «گزلشافت» یادآور می‌شود که گذار از روابط گرم، عاطفی و مبتنی بر سنت به روابط محاسبه‌گر و فردگرا موجب شکنندگی پیوندهای خانوادگی می‌شود (Tönnies & Loomis, 2017).

رویکردهای معاصر نیز بر پیچیدگی‌های پنهان در بازتولید پایداری خانواده تأکید دارند. بوردیو با طرح مفهوم «هابیتوس» نشان می‌دهد که خانواده در قالب مجموعه‌ای از اسکیمای فرهنگی و کنش‌های نهادینه‌شده بازتولید می‌شود و هرگاه این ساختارهای فرهنگی دچار گسست شوند، پایداری خانواده نیز آسیب می‌بیند (Bourdieu, 2020). در همین راستا، پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی خانواده بیان می‌کنند که تحولات سریع فرهنگی، تغییر در سبک‌های زندگی، افزایش فردگرایی و گسترش رسانه‌های دیجیتال نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا تضعیف انسجام خانوادگی دارند (Cavanagh & Fomby, 2019). همچنین مرور ادبیات جهانی نشان می‌دهد که از هم‌گسیختگی خانواده مفهومی چندعاملی است که به عوامل ارتباطی، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری وابسته است؛ چنان‌که مرور یکپارچه جرائه-دیز و همکاران نیز نشان داد که «فقدان یکپارچگی خانوادگی» حاصل مجموعه‌ای از عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی و ساختاری است (Jarana-Díaz et al., 2021).

در سطح مطالعات تطبیقی، پژوهش‌های تون‌نشان داد که فرهنگ نقشی اساسی در تعیین شیوه سازمان‌دهی خانواده و میزان یکپارچگی آن دارد و روابط خانوادگی در فرهنگ‌های متفاوت الگوهای انسجامی متفاوتی را بازتاب می‌دهند (Hamilton, 2013). همچنین پژوهش‌های هائو در چین نشان داد که فرهنگ خانواده به‌صورت مستقیم با ثبات ازدواج و پایداری زندگی زناشویی مرتبط است (Hao, 2022). مطالعه یو نیز در زمینه نقش نگرش جنسیتی و کیفیت ارتباطی نشان داد که مهارت‌های ارتباطی و نگرش‌های برابری‌طلبانه پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی و پایداری زندگی مشترک هستند (Yoo, 2020). در پژوهش آکانله نیز مشخص شد که تغییر نقش‌های جنسیتی و افزایش نقش

نان‌آوری زنان می‌تواند پایداری خانواده را تغییر داده و حتی به ایجاد تنش‌های ساختاری منجر شود (Akanle & Nwaobiala, 2019). این یافته‌ها نشان می‌دهد که پایداری خانواده پدیده‌ای صرفاً فردی یا نهادی نیست، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر فرهنگی و ساختاری ریشه دارد. در ایران نیز روندهای فرهنگی و اجتماعی چند دهه اخیر این نهاد را با چالش‌های عمیقی مواجه کرده است. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که خانواده ایرانی در گذار از سنت به مدرنیته، با افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، افزایش طلاق، تغییر در معیارهای همسرگزینی، گسترش سبک‌های جدید زیست خانوادگی و تعارضات نسلی مواجه است (Milad & Abbasi Shavazi, 2020). از سوی دیگر، تغییر در سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بر وضعیت خانواده تأثیرگذار بوده است؛ چنان‌که بررسی تحولات سیاستی پس از انقلاب نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی در حوزه خانواده با فراز و فرودهایی در زمینه حمایت، نظارت و هویت‌بخشی مواجه بوده‌اند (Moradi, 2021).

مطالعات جامعه‌شناختی جدیدتر تلاش کرده‌اند تا این پدیده پیچیده را از منظر چندبعدی تحلیل کنند. پژوهش چیتساز به‌صورت بین‌نسلی نشان می‌دهد که تغییرات فرهنگی بر روابط خانوادگی تأثیری ژرف داشته و ارزش‌ها، انتظارات و سبک‌های زندگی نسل‌های جدید در حوزه خانواده به‌طور چشمگیری متفاوت از نسل‌های پیشین شده است (Chitsaz, 2023). پژوهش داوری-دولت‌آبادی نیز با تکیه بر آموزه‌های اسلامی راهکارهایی برای پیشگیری از طلاق ارائه کرده و بر جامعیت دین در ایجاد انسجام خانوادگی تأکید دارد (Davari-Dolatabadi & Panam, 2023). همچنین در تحلیل‌های اخلاقی مبتنی بر متون دینی، پژوهش غاسمی‌طوسی نشان می‌دهد که اصول اخلاقی و تعالیم دینی نقش مهمی در تقویت پایداری و استحکام خانواده دارند (Ghasemi-Tusi & Fakhar-Maibadi, 2016).

در ادبیات داخلی نیز مطالعات متعدد به شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری خانواده پرداخته‌اند. مرور مطالعات حاجیان‌مقدم و همکاران طی دو دهه نشان می‌دهد که ایمان، تعامل مثبت، سلامت روانی، شیوه اداره زندگی، ارزش‌های اخلاقی، حمایت اجتماعی و شرایط فرهنگی جامعه از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده خانواده ایرانی هستند (Hajian-Moghadam et al., 2015). پژوهش حجّیقی و عباس‌زاده با رویکرد مدیریت شهری نیز نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و هنجاری نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری خانواده پایدار دارند (Haghighi & Abbaszadeh, 2024). یافته‌های ناتری نیز در زمینه خانواده کارکنان سازمان بنادر نشان داد که پایداری خانواده تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، تعاملی و محیطی است (Majid Nateri et al., 2023). تحلیل ثانویه داده‌های ملی در پژوهش حیدری و همکاران نیز تأیید می‌کند که صمیمیت، هویت خانوادگی، سبک زندگی و ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌های مهم پایداری خانواده هستند (Heidari et al., 2024).

در کنار رویکردهای جامعه‌شناختی، برخی پژوهش‌ها به ابعاد اخلاقی، ارزشی و دینی پایداری خانواده پرداخته‌اند. پژوهش تجبخش بر مبنای دیدگاه امام رضا(ع) نشان داد که خانواده مؤثر و پایدار بر پایه محبت، مسئولیت‌پذیری، اخلاق و مشارکت شکل می‌گیرد (Tajbakhsh et al., 2022). همچنین مدل‌سازی مهدیزاده نیز بر این نکته تأکید دارد که آموزه‌های اسلامی ظرفیت ارائه الگویی جامع برای تقویت استحکام خانواده دارند (Mahdizadeh et al., 2019). پژوهش اریزال نیز با رویکرد اخلاق‌محور نشان داد که ارزش‌های اخلاقی و اسلامی می‌توانند عاملی کلیدی برای تاب‌آوری خانواده‌ها باشند (Erizal et al., 2025).

در سطح کلان‌تر، مطالعه فرهود و همکاران درباره تحولات خانواده در کرمانشاه نشان داد که دگرگونی در ساختار فرهنگی و اقتصادی شهرنشینی ایرانی پیامدهای مستقیمی بر پایداری خانواده برجا گذاشته است (Farahoudeh et al., 2025). پژوهش سوانووا نیز مجموعه‌ای

از عوامل مؤثر بر پایداری خانواده، از جمله ساختارهای فرهنگی، نقش‌های جنسیتی، مهارت‌های ارتباطی و شرایط اقتصادی را شناسایی کرده است (Suvonova, 2025).

در چنین بستری روشن است که پایداری خانواده در ایران یک پدیده تک‌عاملی نیست بلکه حاصل تعامل پویا و پیچیده میان ساختارهای فرهنگی، معانی درونی‌شده، مهارت‌های ارتباطی، هنجارهای اجتماعی، زمینه‌های اقتصادی و تغییرات نسلی است. در شهرهای بزرگ مانند اصفهان، فرآیندهای شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها، تغییر سبک‌های زندگی و افزایش شکاف‌های نسلی ابعاد تازه‌ای از چالش‌های پایداری خانواده را پدید آورده‌اند؛ چالش‌هایی که با وجود مشترکات ملی، ویژگی‌های خاص فرهنگی و تاریخی این شهر ممکن است الگوهای متفاوتی در پایداری یا گسیختگی خانواده ایجاد کنند. از این رو ضروری است که پایداری خانواده در اصفهان با رویکردی داده‌بنیاد و فرهنگی بررسی شود تا ابعاد عمیق، پنهان و غیرخطی آن شناسایی گردد و الگویی معتبر برای سیاست‌گذاری و مداخله اجتماعی ارائه شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین الگوی فرهنگی-تعاملی پایداری خانواده در جامعه شهری اصفهان است.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع ترکیبی است. روش ترکیبی نوعی طرح پژوهش است که در آن رویکردهای کیفی و کمی در انواع پرسش‌ها، روش‌های پژوهش، رویه‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و تولید استنتاج‌ها به کار گرفته می‌شود (تشکری و تدلی، ۲۰۰۳: ۷۱۱). استراتژی مورد استفاده در این پژوهش از نوع متوالی^۱ است. کرسول و پلانوکلاک^۲ (۱۳۹۰) استراتژی‌های متوالی را به دو دسته اصلی تبیینی^۳ و اکتشافی^۴ دسته‌بندی می‌کنند. استراتژی مورد استفاده در پژوهش حاضر از نوع اکتشافی است. استراتژی اکتشافی [متوالی^۵] رویکردی دو مرحله‌ای دارد؛ به این معنا که پژوهش برای شناخت پدیده با داده‌های کیفی شروع می‌شود و سپس در مرحله بعد با گردآوری داده‌های کمی ادامه می‌یابد. استراتژی اکتشافی بر این پیش‌فرض بنا شده است که به دلایلی نیازمند اکتشاف هستیم؛ اندازه‌گیری‌ها یا ابزارها در دسترس نیستند، متغیرها ناشناخته‌اند، چارچوب هدایت‌کننده یا نظریه‌ای وجود ندارد. مورگان^۶ (۱۹۹۸) معتقد است بهترین استفاده از طرح‌های اکتشافی متوالی، زمانی است که محقق درصدد تعمیم عناصر نظری از دیدگاه ظهوریافته یا مستخرج از واقعیت، به دیگر نمونه‌ها باشد. بنابراین در خصوص دلایل استفاده از استراتژی اکتشافی - متوالی در این پژوهش باید گفت به منظور ارائه الگوی مرتبط با پایداری خانواده استفاده از پژوهش کیفی در مرحله اول اجتناب‌ناپذیر بود. در ادامه به منظور آزمون تجربی الگوی ارائه شده در مرحله کیفی، روش کمی مطلوب‌ترین روش برای تأمین هدف پژوهش بود. در نتیجه فرض بر این گذاشته شد که طرح اکتشافی - متوالی به نحو مطلوب‌تری امکان دست‌یابی به اهداف پژوهش را فراهم می‌کند.

روش مرحله کیفی پژوهش حاضر نظریه زمینه‌ای به عنوان یکی از روش‌های اصلی رویکرد پژوهش کیفی است. رویکرد نظریه زمینه‌ای مورد استفاده در این پژوهش سیستماتیک است. این رویکرد بر استفاده از مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی و ارائه پارادایم منطقی یا تصاویر بصری از تولید نظریه تأکید دارد. در این رویکرد پژوهشگر به صورت نظام‌مند به دنبال توسعه نظریه‌ای است که به تبیین فرایند، کنش و تعامل در موضوع مورد مطالعه خود بپردازد. در این رویکرد محقق از طریق عمل نظام‌مند پژوهش، معانی موجود در داده‌ها را کشف و طی مراحل

1. Sequential

2. Creswell & Plano Clark

3. Explanatory

4. Exploratory

5. Exploratory Sequential Design

6. Morgan

کدگذاری سه‌گانه‌ی مشخص (باز^۱، محوری^۲ و گزینشی^۳)، معانی کشف و استخراج شده را در ظرف‌های مقوله‌ای از قبل مشخص (مدل پارادایمی) می‌ریزد و نظریه داده‌بنیاد مرتبط با موضوع پژوهش و مبتنی بر واقعیت مشخص را ارائه می‌دهد.

روش مرحله کمی پژوهش پیمایش است. روش پیمایشی با مطالعه یک نمونه از جامعه، از روندها، نگرش‌ها یا عقاید و باورهای آن جامعه توصیفی کمی یا عددی فراهم می‌کند. پژوهش‌گر نتایج حاصل از نمونه را به کل جامعه تعمیم می‌دهد یا درباره کل جامعه استنتاج می‌کند. به عبارت دیگر پیمایش غالباً با تعیین افرادی که نماینده و معرف جامعه مورد بررسی‌اند (نمونه) و طرح سؤالاتی که باید از آن‌ها پرسید آغاز می‌شود. از پیمایش می‌توان برای آزمودن تبیین‌های تصدیق شده یا نظریه‌ها و ساختن نظریه‌های جدید سود جست. در پژوهش حاضر نیز به منظور آزمون مدل ارائه شده در مرحله کیفی در بین جامعه آماری پژوهش و به عبارت دیگر ارائه توصیف کمی یا عددی از نگرش افراد مورد مطالعه در خصوص پایداری خانواده و عوامل مرتبط با آن و آزمودن تبیین‌های تصدیق شده در مرحله کیفی از روش پیمایش استفاده گردید. میدان پژوهش حاضر شهر اصفهان است. مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز کارشناسان و متخصصان حوزه خانواده هستند که به دلیل تجربه کاری یا مطالعاتی در زمینه مورد مطالعه از اطلاعات لازم برخوردار بودند. معیارهای انتخاب این افراد برای ورود به مطالعه شامل مواردی از جمله تخصص (مطالعات حوزه خانواده)، سابقه کار در حوزه خانواده (مطالعات حوزه خانواده، مشاوره در حوزه خانواده) بوده است. در واقع به منظور پوشش حداکثر تنوع در جهت گردآوری داده‌های غنی و رسیدن به اشباع اطلاعات گردآوری شده معیارهای فوق در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان مرحله کیفی پژوهش

جنس	سن	تحصیلات	تخصص	سابقه کار
مرد	۶۹	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۳۵
مرد	۶۲	دکتری	مطالعات خانواده	۳۲
مرد	۶۰	دکتری	مطالعات خانواده	۳۲
مرد	۶۰	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۳۵
مرد	۴۵	دکتری	مطالعات خانواده	۱۸
زن	۴۷	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۲۰
زن	۶۳	دکتری	پژوهشگر حوزه خانواده	۳۵
مرد	۶۴	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۳۸
زن	۶۰	دکتری	جامعه‌شناسی خانواده	۳۰
مرد	۵۶	دکتری	جامعه‌شناسی خانواده	۳۰
مرد	۳۸	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۸
مرد	۷۰	دکتری	مدیریت فرهنگی	۵۸
مرد	۵۲	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۲۸
زن	۴۰	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۸

با توجه به اینکه در طرح اکتشافی – متوالی پژوهش‌گر به منظور تعمیم نتایج مرحله کیفی در مرحله کمی در سطح وسیع‌تری افراد را مورد مطالعه قرار می‌دهد و افراد مورد مطالعه در مرحله اول جمع‌آوری اطلاعات الزاماً همان افرادی نیستند که در مرحله دوم شرکت می‌کنند. بنابراین جامعه آماری پژوهش در این مرحله شامل مردان و زنان ازدواج کرده شهر اصفهان در زمان مطالعه بوده‌اند.

1. Open Coding

2. Axial Coding

3. Selective Coding

در مرحله کیفی پژوهش با توجه به تأکید بر عمق داده‌های گردآوری شده و انتخاب محدود حجم نمونه تعداد ۱۴ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه خانواده به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. شیوه نمونه‌گیری در این مرحله از پژوهش هدفمند-نظری است. با مدنظر قرار دادن ماهیت پدیداری پژوهش کیفی و انتخاب مبتنی بر معیار نمونه از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به رویکرد روش‌شناسی مرحله کیفی (نظریه زمینه‌ای) از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری بر مبنای مفاهیمی انجام می‌شود که در فرایند تحلیل داده‌ها ظهور و تکوین می‌یابند. بر این اساس برای انتخاب افراد مورد مطالعه در پژوهش حاضر ابتدا مراجعه به آن‌ها به صورت هدفمند و در ادامه بر مبنای فرایند تحلیل داده در رویکرد سیستماتیک به صورت نظری انجام شده است. حجم نمونه در مرحله کمی پژوهش مبتنی بر پیش‌فرض‌های مرتبط با رویکرد نمونه‌گیری احتمالی و با استفاده از نرم‌افزار Spss Sample Power محاسبه شده است. طبق برآوردهای این نرم‌افزار تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. شیوه نمونه‌گیری در مرحله کمی از نوع احتمالی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. به این معنا که شهر اصفهان برحسب مناطق ۱۵ گانه شهرداری و برحسب متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی به پنج خوشه اصلی تقسیم و در بین آن‌ها به صورت تصادفی تعداد ۶ منطقه انتخاب شدند. در ادامه در مناطق انتخاب شده ابتدا خوشه محلات همگن هر منطقه مشخص و در بین هر خوشه تعدادی محله به طور تصادفی انتخاب و با مراجعه به افراد آن محله به صورت تصادفی پرسشنامه تکمیل شد.

ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته است. پروتکل مصاحبه شامل تعدادی پرسش زمینه‌ای و مجموعه‌ای از پرسش‌های اصلی در راستای محورهای مرتبط با موضوع مورد مطالعه در این مرحله بوده است. قابل ذکر است از آنجایی که مبنای اصلی گردآوری داده در روش نظریه زمینه‌ای نمونه‌گیری نظری است و این نوع نمونه‌گیری نیز بر مبنای مفاهیم ظهوریافته در فرایند تحلیل داده‌ها رخ می‌دهد بنابراین علاوه بر پرسش‌های اصلی مربوط به پروتکل مصاحبه پرسش‌های دیگر در راستای این مفاهیم نیز به منظور رسیدن به اشباع داده‌ها و مفاهیم نیز مطرح و از افراد مورد مطالعه پرسیده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کمی پژوهش پرسشنامه بوده است. در واقع در این مرحله به منظور گردآوری داده‌ها در سطح وسیع‌تر از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. مبنای اصلی تدوین پرسشنامه یافته‌های حاصل از مرحله کیفی پژوهش بوده است. به عبارت دیگر پرسشنامه تدوین شده در این مرحله برای سنجش مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شده در مرحله کیفی بوده است. پرسشنامه مذکور پس از احراز اعتبار و پایایی در مراحل مقدماتی در مرحله نهایی به منظور گردآوری داده‌های این مرحله مورد بهره‌برداری قرار گرفت. دو دسته پرسش در پرسشنامه گنجانده شد. دسته اول پرسش‌های جمعیت‌شناختی که مربوط به اطلاعات زمینه‌ای افراد مورد مطالعه می‌شد و دسته دوم پرسش‌هایی که متغیرهای اصلی پژوهش (مستقل و وابسته) را مورد سنجش قرار داده‌اند. همان‌گونه که در بالا اشاره شد مبنای سنجش متغیرها در مرحله کمی پژوهش مقولات و مفاهیم استخراج شده در مرحله کیفی پژوهش بوده است. بنابراین در زیر این مفاهیم تعریف و مقیاس مربوط به سنجش آن‌ها گزارش شده است.

جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا: این مفهوم دلالت بر فضای کلی اجتماعی و فرهنگی دارد که ارزش‌ها، باورهای و هنجارهای خانوادگی در آن شکل می‌گیرد و تصمیم‌ها و رفتارهای اعضای خانواده را جهت‌دهی می‌کند. درواقع به مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی اشاره دارد که خانواده را به عنوان کانون اصلی زندگی اجتماعی و معنابخشی می‌دانند. در این جهان‌زیست، فرهنگی ملی و دینی نقش بنیادینی در تقویت پیوندهای خانوادگی ایفا می‌کند و خانواده به عنوان نهادی اصیل و پایدار برای انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و هویت اجتماعی بازشناخته می‌شود.

Personal Development and Organizational Transformation

برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [فرهنگ ملی خانواده‌گرا، فرهنگ دینی خانواده‌گرا] تعداد ۸ گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۲. دامنه تغییرات متغیر جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
فرهنگ ملی خانواده‌گرا	۴	۱	۵	۳
فرهنگ دینی خانواده‌گرا	۴			
جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا	۸	۱	۵	

عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج: فرایندی است که در آن، طلاق، خیانت یا تضعیف تعهدات زناشویی به تدریج از حالت استثنا خارج و به امری عادی و پذیرفته‌شده در زندگی روزمره تبدیل می‌شوند. این روند با تغییر معنای ازدواج، فردی‌سازی انتخاب همسر و نوآوری‌های ساختارشکنانه در الگوهای زناشویی همراه است و می‌تواند پایداری نهاد خانواده را تهدید کند. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [دگردیسی معنای ازدواج، نوآوری در ازدواج، عادی‌انگاری خیانت، عادی‌انگاری طلاق] تعداد ۵ گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۳. دامنه تغییرات متغیر عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
دگردیسی معنای ازدواج	۴	۱	۵	۳
نوآوری در ازدواج	۳			
عادی‌انگاری خیانت	۴			
عادی‌انگاری طلاق	۴			
عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج	۱۵	۱	۵	

زیست فرهنگی مداخله‌جویانه: به الگوی کنش فرهنگی خانواده‌ها اشاره دارد که در آن نقش‌ها و روابط خانوادگی تحت تأثیر تعین‌گری، کنترل‌گری یا دخالت‌گری اعضای خانواده [به‌ویژه والدین یا خویشاوندان] شکل می‌گیرد. این وضعیت گاه می‌تواند موجب حمایت و همبستگی شود و گاه به دلیل کنترل افراطی و دخالت در انتخاب‌ها و روابط زوجین، به تعارض و فرسایش انسجام و پایداری خانواده بینجامد. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [تعین‌گری خانوادگی، کنترل‌گری خانوادگی و دخالت‌گری خانوادگی] تعداد ۱۰ گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۴. دامنه تغییرات متغیر زیست فرهنگی مداخله‌جویانه

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
تعین‌گری خانوادگی	۳	۱	۵	۳
کنترل‌گری خانوادگی	۴			
دخالت‌گری خانوادگی	۳			
زیست فرهنگی مداخله‌جویانه	۱۰	۱	۵	

توسعه فردی و تحول سازمانی

شکاف فرهنگی: نوعی گسست در ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های زندگی میان گروه‌های اجتماعی یا نسلی است که باعث تفاوت در الگوهای هویتی و رفتاری می‌شود. این شکاف می‌تواند میان نسل‌ها، طبقات اجتماعی یا جوامع محلی و مدرن بروز یابد و در خانواده به صورت اختلاف دیدگاه و سبک زندگی میان والدین و فرزندان یا زوجین آشکار شود. برای سنجش این متغیر تعداد ۸ گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۵. دامنه تغییرات متغیر شکاف فرهنگی

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
شکاف فرهنگی	۸	۱	۵	۳

تمیزه شدن: وضعیتی است که در آن افراد بیش از هر چیز بر نیازها، علایق و منافع فردی خود تمرکز می‌کنند و پیوندهای جمعی و خانوادگی به حاشیه رانده می‌شوند. این پدیده با مولفه‌های همچون خودبینی، خودخواهی، فردیت‌گرایی و نگاه ابزاری به روابط همراه است و انسجام خانواده را تهدید می‌کند. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [خودبینی، خودمحوری، خودخواهی، فردیت‌گرایی، ابزارگرایی] تعداد ۱۶ گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۶. دامنه تغییرات متغیر تمیزه شدن

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
خودبینی	۳	۱	۵	۳
خودمحوری	۴			
خودخواهی	۳			
فردیت‌گرایی	۳			
ابزارگرایی	۳			
تمیزه شدن	۱۶	۱	۵	

هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش: به آن دسته از آداب، رسوم، سنت‌ها و اصول اخلاقی اطلاق می‌شود که نقش چسب اجتماعی را در خانواده ایفا کرده و پیوندهای عاطفی و نهادی را تقویت می‌کنند. این هنجارها با ایجاد چارچوب‌های مشترک رفتاری و ارزشی، از بروز تعارضات جلوگیری کرده و تداوم خانواده را ممکن می‌سازند. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [آداب و رسوم پیوندساز، سنت‌های دینی پیونددهنده و چارچوب‌های اخلاقی نگهدارنده] تعدادی گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۷. دامنه تغییرات متغیر هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
آداب و رسوم پیوندسازی	۳	۱	۵	۳
سنت‌های دینی پیونددهنده	۳			
چارچوب‌های اخلاقی نگهدارنده	۳			
هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش	۹	۱	۵	

استیلای رسانه‌ای: وضعیتی است که در آن رسانه‌های جمعی و دیجیتال بخش مهمی از تعاملات رودرو و روابط خانوادگی می‌شوند. در این شرایط، رسانه‌ها نه تنها الگوهای سبک زندگی و ارزش‌ها را بازتعریف می‌کنند، بلکه با تقویت فردیت‌گرایی و ایجاد وابستگی، نقش تنظیم‌کننده روابط خانوادگی را تضعیف می‌کنند. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [رسانه جایگزین تعامل رودرو، سیطره رسانه بر زندگی، فردیت‌گرایی رسانه‌ای، سوءمصرف رسانه‌ای] تعداد گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۸. دامنه تغییرات متغیر استیلای رسانه‌ای

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
رسانه جایگزین تعامل رودرو	۴	۱	۵	۳
سیطره رسانه بر زندگی	۳			
فردیت‌گرایی رسانه‌ای	۳			
سوءمصرف رسانه‌ای	۳			
استیلای رسانه‌ای	۱۳	۱	۵	

همسان‌همسری فرهنگی: فرایندی است که در آن انتخاب همسر بر اساس شباهت در ارزش‌ها، باورها، زبان، مذهب یا سبک زندگی انجام می‌شود. این همسانی با ایجاد زمینه‌های مشترک فرهنگی و هویتی، احتمال تعارضات خانوادگی را کاهش داده و انسجام و پایداری خانواده را تقویت می‌کند. برای سنجش این متغیر تعداد گویه، در قالب طیف لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۹. دامنه تغییرات متغیر همسان‌همسری فرهنگی

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
همسان‌همسری فرهنگی	۷	۱	۵	۳

زیست گفت و گویی: به الگویی از روابط خانوادگی اشاره دارد که در آن گفت‌وگو به عنوان ابزار اصلی برای حل تعارضات، انتقال معنا، ایجاد پیوندهای عاطفی و تقویت صمیمیت زوجین عمل می‌کند. این الگو با مهارت‌های ارتباطی سازنده و گفت‌وگوی غیرمغرضانه همراه است و از عوامل کلیدی انسجام و پایداری خانوادگی به شمار می‌رود. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [گفت و گو به مثابه هدفمندی زندگی، گفت و گو عامل پیوند، مهارت گفت و گو، گفت و گوی سازنده، گفت و گوی غیرمغرضانه] تعداد گویه، در قالب طیف لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۱۰. دامنه تغییرات متغیر زیست گفت و گویی

متغیر	تعداد گویه	کمینه	بیشینه	حد متوسط
گفت و گو به مثابه هدفمندی زندگی	۴	۱	۵	۳
گفت و گو عامل پیوند	۴			
مهارت گفت و گو	۴			
گفت و گوی سازنده	۳			
گفت و گوی غیرمغرضانه	۳			
زیست گفت و گویی	۱۸	۱	۵	

پایداری خانواده: به ظرفیت نهاد خانواده برای حفظ انسجام، تعهد، صمیمیت و کارکردهای اجتماعی خود در برابر تغییرات و چالش‌های محیطی اشاره دارد. خانواده پایدار نه تنها از نظر ساختاری و نهادی استواری است، بلکه به‌طور تعاملی و افق‌دار انسجام خود را بازتولید کرده و زمینه رشد فردی، انسجام اجتماعی و پایداری فرهنگی و حکمرانی را فراهم می‌سازد. برای سنجش این متغیر و ابعاد آن [زیست مشترک افق‌دار، خانواده کارکردگرا، هویت‌مندی خانواده، پیوستگی زیست صمیمانه، پایداری ساختاری - معنایی، تفاهم تعهدی زوجین، تنش‌زدایی] تعداد ۲۴ گویه، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری و استفاده شد.

جدول ۱۱. دامنه تغییرات متغیر پایداری خانواده

متغیر	تعداد گویه	حداقل نمره	حداکثر نمره	حد متوسط
زیست مشترک افق‌دار	۳	۱	۵	۳
خانواده کارکردگرا	۳			
هویت‌مندی خانواده	۳			
پیوستگی زیست صمیمانه	۳			
پایداری ساختاری - معنایی	۳			
تفاهم تعهدی زوجین	۳			
تنش‌زدایی	۳			
باورمندی به ساختن	۳			
پایداری خانواده	۲۴	۱	۵	

شیوه اصلی تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های کیفی کدگذاری است. در پژوهش حاضر نیز به منظور تحلیل داده‌ها در مرحله کیفی از شیوه کدگذاری متناسب با رویکرد سیستماتیک نظریه زمینه‌ای [کدگذاری باز، محوری و گزینشی] استفاده شد. بنابراین رویه تحلیل داده‌ها به این شکل بوده است که ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و متن حاصل از این پیاده‌سازی در مرحله کدگذاری باز به صورت سطر به سطر کدگذاری و مفاهیم اولیه در راستای اهداف پژوهش مشخص شدند. در مرحله کدگذاری محوری نیز مفاهیمی که به لحاظ فضای مفهومی به هم مرتبط بودند ذیل مقولات فرعی و اصلی دسته‌بندی و ساماندهی شدند. قابل ذکر است یکی دیگر از اقدامات اصلی در مرحله کدگذاری محوری قرار دادن مقوله‌های اصلی پژوهش در قالب اجزای مدل پارادایمی بود. به این معنا که با توجه به ماهیت هر یک از این مقوله‌ها و ویژگی‌های مربوط به اجزای مدل پارادایمی (شرایط، عمل - تعامل و پیامد) ساماندهی مقوله‌ها بر مبنای این اجزا به انجام رسید. در مرحله کدگذاری گزینشی که با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها برای ظهور مقوله اصلی پژوهش و ارائه نظریه داده‌بنیاد مبتنی بر واقعیت خاص و مشخص انجام می‌شود. ابتدا مقوله‌های اصلی شناسایی شده در مرحله کدگذاری محوری به منظور گزینش مقوله هسته یا مرکزی پژوهش ساماندهی و بر اساس فضای مفهومی این مقوله‌ها مقوله مرکزی یا هسته پژوهش انتخاب گردید. در ادامه با استفاده از خط داستان برآمده از نتایج پژوهش رابطه بین مقوله‌های اصلی با مقوله مرکزی و همچنین ارتباط بین اجزای مدل پارادایمی به تفصیل توضیح داده شد. برای مدیریت و تحلیل داده‌ها و همچنین بصری‌سازی رابطه بین مفاهیم و مقوله‌ها در چارچوب مدل پارادایمی نسخه ۲۰۲۴ نرم‌افزار MAXQDA مورد استفاده قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در مرحله کمی در دو قسمت توصیفی و استنباطی به انجام رسید. در قسمت توصیفی ضمن ارائه

توصیفی از نمونه آماری پژوهش بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیرهای اصلی پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) توصیف شدند. در قسمت استنباطی با مدنظر قرار دادن پیش‌فرض‌های مرتبط با ضرایب و آزمون‌های آماری به منظور برازش مدل تجربی پژوهش از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور استفاده شد. برای انجام محاسبات در مرحله کمی پژوهش از نسخه ۲۶ نرم‌افزار spss و نسخه ۴ نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد.

یافته‌ها

در خصوص اعتباریابی در پژوهش‌های ترکیبی تدلی و تشکری^۱ (۲۰۰۹) از اصطلاح کیفیت استنتاج^۲ استفاده کرده‌اند، کیفیت استنتاج اصطلاحی است که به منظور تلفیق اعتبار درونی و آماری^۳ [پژوهش کمی] و مقبولیت و اعتمادپذیری^۴ [پژوهش کیفی] پیشنهاد شده است. به عبارت دیگر اعتبارسنجی طرح‌های ترکیبی باید متضمن هر دو نوع اعتبارهای کمی و کیفی باشد. در همین راستا در مرحله کیفی پژوهش به منظور اعتباربخشی به داده‌ها و یافته‌های این مرحله از پژوهش از شیوه‌ها اعتباریابی توسط اعضا^۵ (دریافت بازخورد از مشارکت‌کنندگان) و تکنیک ارزیاب یا بازرس خارجی^۶ استفاده شده است. به این معنا که در راستای تکنیک اعتباریابی توسط اعضا در یک فرایند رفت و برگشتی در مرحله کدگذاری باز صحت و درستی کدها و مفاهیم استخراج شده توسط تعدادی از افراد مورد مطالعه تأیید شد. در رابطه با تکنیک ارزیاب یا بازرس خارجی یک نفر متخصص حوزه خانواده یافته‌های پژوهش را مورد ارزیابی و درستی تفاسیر و نتیجه‌گیری به وسیله داده‌ها را مورد تأیید قرار دادند. قابل ذکر است علاوه بر استفاده از دو تکنیک فوق برای اعتباریابی یافته‌های پژوهش یک نفر آشنا به رویکرد پژوهش کیفی و روش نظریه زمینه‌ای نیز بر مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و گزارش نهایی پژوهش نظارت داشته است. در مرحله کمی پژوهش نیز علاوه بر بحث اعتباریابی در پژوهش‌های کمی که در دو سطح اعتبار درونی^۷ (نمایان‌گر میزان برخورداری یافته‌های پژوهش از صحت و دقت لازم) و بیرونی^۸ (قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش به جامعه وسیع‌تر) مدنظر قرار گرفته شد. به منظور اعتبار و پایایی ابزار سنجش (پرسشنامه) محقق ساخته از رویکردهای مرسوم اعتبارسنجی و پایایی استفاده شد. با استفاده از اعتبار سازه و رویکرد تحلیل عاملی و شاخص‌های مربوط به اعتبار همگرا^۹ (شاخص AVE)^{۱۰} و اعتبار ممیز^{۱۱} (معیار فورنل و لارکر^{۱۲}، بارهای عاملی متقاطع^{۱۳} و شاخص HTMT^{۱۴}) اعتبار عاملی مربوط به همه‌ی مقیاس‌ها و مدل شناسایی شده در مرحله کیفی اعتبارسنجی شد. به منظور پایایی ابزار سنجش متغیرهای پژوهش نیز از شاخص ضریب آلفای کرونباخ^{۱۵} و قابلیت اعتماد ترکیبی^{۱۶} مورد استفاده قرار گرفت.

1. Tashakori, A. & Tedli, C.

2. Good inferences

3. Validity

4. Trustworthiness

5. Member Check

6. Auditing

7. Internal Validity

8. External Validity

9. Convergent Validity

10. Average Variance Extracted

11. Discriminant Validity

12. Cross Loading

13. Fornell and Larcker

14. Hetero -Trait Mono -Trait Ratio

15. Cronbach Alpha

16. Composite Reliability

توسعه فردی و تحول سازمانی

جدول ۱۲. برآورد مقادیر شاخص‌های اعتبار و پایایی ابزار سنجش متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	AVE	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا	فرهنگ ملی خانواده‌گرا	۰/۵۰	۰/۷۱	۰/۷۷
	فرهنگ دینی خانواده‌گرا	۰/۶۱	۰/۷۹	۰/۸۶
	عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج	۰/۶۰	۰/۷۷	۰/۸۵
زیست فرهنگی مداخله‌جویانه	نوآوری در ازدواج	۰/۵۹	۰/۷۲	۰/۸۱
	عادی‌انگاری خیانت	۰/۵۲	۰/۷۱	۰/۸۱
	عادی‌انگاری طلاق	۰/۵۸	۰/۷۶	۰/۸۴
	تعیین‌گری خانواده	۰/۶۴	۰/۷۳	۰/۸۴
	کنترل‌گری خانواده	۰/۵۶	۰/۷۴	۰/۸۳
شکاف فرهنگی	دخاله‌گری خانواده	۰/۶۲	۰/۷۱	۰/۸۲
		۰/۵۶	۰/۷۹	۰/۸۵
	خودبینی	۰/۵۹	۰/۷۲	۰/۸۱
اتمیزه شدن	خودمحوری	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۶
	خودخواهی	۰/۶۴	۰/۷۲	۰/۸۴
	فردیت‌گرایی	۰/۶۲	۰/۷۱	۰/۸۳
هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش	ابزار‌گرایی	۰/۶۸	۰/۷۷	۰/۸۶
	آداب و رسوم پیوندساز	۰/۶۲	۰/۷۲	۰/۸۲
	سنت‌های دینی پیونددهنده	۰/۷۷	۰/۸۰	۰/۸۵
استیلای رسانه	چارچوب‌های اخلاقی نگهدارنده	۰/۶۵	۰/۷۴	۰/۸۲
	رسانه جایگزین تعامل رودررو	۰/۶۰	۰/۷۷	۰/۸۵
	سیطره رسانه بر زندگی	۰/۷۰	۰/۷۹	۰/۸۲
همسان‌همسری فرهنگی	فردیت‌گرایی رسانه‌ای	۰/۶۲	۰/۸۰	۰/۸۴
	سوء‌مصرف رسانه‌ای	۰/۶۶	۰/۷۴	۰/۸۱
	-	۰/۷۰	۰/۸۲	۰/۸۸
زیست گفت و گویی	گفت و گو به مثابه هدفمندی زندگی	۰/۵۹	۰/۷۵	۰/۸۲
	گفت و گو عامل پیوند	۰/۵۸	۰/۷۵	۰/۸۲
	مهارت گفت و گو	۰/۵۶	۰/۷۴	۰/۸۱
پایداری خانواده	گفت و گوی سازنده	۰/۷۴	۰/۸۰	۰/۸۵
	گفت و گوی غیرمعرضانه	۰/۶۹	۰/۷۸	۰/۸۶
	زیست مشترک افق‌دار	۰/۶۷	۰/۷۵	۰/۸۱
	خانواده کارکردگرا	۰/۶۴	۰/۸۰	۰/۸۵
	هویت‌مندی خانواده	۰/۵۸	۰/۷۰	۰/۷۵
	پیوستگی زیست صمیمانه	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۸۴
	پایداری ساختاری - معنایی	۰/۷۲	۰/۷۹	۰/۸۳
	تفاهم تعهدی زوجین	۰/۶۹	۰/۷۷	۰/۸۶
	تنش‌زدایی	۰/۶۲	۰/۷۰	۰/۷۸
	باورمندی به ساختن	۰/۶۸	۰/۷۷	۰/۸۴

برآورد مقادیر مربوط به بارهای عاملی و همچنین شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده بیانگر این است که ابزار سنجش متغیرهای پژوهش هم در سطح عامل و هم در سطح معرف از اعتبار لازم برخوردار است. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز دلالت بر دقت اندازه‌گیری ابزار سنجش این متغیرها و به عبارت دیگر قابلیت اعتماد این ابزارها دارد.

یافته‌ها

یافته‌های کیفی پژوهش بر مبنای الزامات مرتبط با رویکرد سیستماتیک نظریه زمینه‌ای در سه قسمت مجزا و مرتبط با هم شامل کدگذاری باز (استخراج مفاهیم اولیه) و محوری (شناسایی مقوله‌های فرعی و اصلی)، کدگذاری گزینشی (استخراج مقوله مرکزی و تدوین خط داستان) گزارش شده است:

جدول ۱۳. مفاهیم و مقوله‌های الگوی داده‌بنیاد پایداری خانواده

پارادایم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
شرایط علی	فرهنگ ملی خانواده‌گرا / فرهنگ دینی خانواده‌گرا	جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا
	دگردیسی معنایی ازدواج/ نوآوری در ازدواج/ عادی‌انگاری خیانت/ عادی‌انگاری طلاق	عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج
	خودبینی/ خودمحوری/ خودخواهی/ فردیت‌گرایی/ ابزارگرایی	اثمیزه‌شدن
شرایط زمینه‌ای	آداب و رسوم پیوندساز/ سنت دینی پیونددهنده / چارچوب اخلاقی نگهدارنده	هنجارهای انسجام بخش
	تعین‌گری خانواده/ کنترل‌گری خانواده/ دخالت‌گری خانواده	زیست فرهنگی مداخله‌جویانه
شرایط مداخله‌گر	گفت و شنود به مثابه هدفمندی زندگی/ گفت و شنود عامل پیوند زوجین/ مهارت گفت و گو/ گفت و گوی سازنده/ گفت و گو غیرمغرضانه	زیست گفت و گویی
	رسانه به مثابه آلترناتیو تعاملات رودرو/ سیطره رسانه بر زندگی/ فردیت‌گرایی رسانه/ سوءمصرف رسانه‌ای	استیلای رسانه‌ای بر زیست خانوادگی
پدیده اصلی	زیست مشترک افق‌دار/ خانواده کارکردگرا/ هویت‌مندی خانوادگی/ پیوستگی زیست صمیمانه/ پایداری ساختاری - معنایی خانواده/ تفاهم تعهدی زوجین/ پایداری به مثابه تنش‌زدایی/ پایداری به مثابه باورمندی ساختن	پایداری به مثابه انسجام تعاملی - نهادی افق‌دار خانواده
راهبردها	جامعه‌پذیری فرهنگ‌مدار/ جامعه‌پذیری خانواده‌مدار/ شناخت‌ورزی عاطفی - جنسی	جامعه‌پذیری زیست فرهنگی
	بوم‌شناسی فرهنگی/ بسترسازی محلی/ پویاسازی سرمایه فرهنگی	بازآفرینی نظام فرهنگی محلی
	فرایندی بودن امر فرهنگی/ غیرارادی بودن امر فرهنگی/ غیردستوری بودن امر فرهنگی	تکوین تدریجی امر فرهنگی
	ترویج ازدواج آسان/ مبارزه با تجمل‌گرایی	ساده‌سازی مناسک ازدواج
پیامدها	غنای فردی/ سودمندی فردی	توسعه فردی
	تقویت انسجام اجتماعی/ ارتقاء پایداری اجتماعی/ استحکام نهاد خانواده/ آرامش اجتماعی/ امنیت اجتماعی	بسامانی نظام اجتماعی
	پایداری حاکمیت/ بهره‌وری نظام سیاسی/ پایداری فرهنگی/ پایداری اقتصادی/ پایداری نظام حقوقی	پایداری نظام حکمرانی

مقوله مرکزی: با مدنظر قرار دادن این موضوع که مقوله مرکزی گام اصلی برای یکپارچه‌سازی یافته‌هاست و با توجه به مقوله‌های شناسایی شده مقوله «پایداری خانواده به مثابه بازتولید انسجام تعاملی - نهادی در بستر فرهنگ» به عنوان مقوله مرکزی پژوهش حاضر که هم بعد معنایی و هم بعد کارکردی پایداری خانواده را پوشش می‌دهد استخراج شد. این مقوله بیانگر این است که پایداری خانواده صرفاً یک امر فردی یا نهادی نیست، بلکه فرایندی پویا و افق‌مند است که در آن تعامل میان اعضای خانواده [به ویژه زوجین] و در پیوند عمیق با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و نهادی بازتولید می‌شود. بر این اساس، خانواده‌های پایدار با بهره‌گیری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، مدیریت تعاملات درونی و سازگاری با شرایط محیطی انسجام درونی خود را حفظ نموده و به ثبات اجتماعی، پایداری حکمرانی و توسعه فردی کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، باید گفت پایداری خانواده منوط به این است که خانواده بتواند نخست، انسجام تعاملی‌اش در سطح خرد (گفت‌وگو، هم‌فهمی، تنش‌زدایی، صمیمت) و دوم، انسجام نهادی‌اش را در سطح کلان خانواده (تقسیم نقش، قواعد، هویت و معناهای مشترک، کارکردها) در طول زمان و در بستر فرهنگ بازتولید نماید. بازتولید دلالت بر این دارد که انسجام صرفاً یک وضعیت ایستا نیست، بلکه از طریق چرخه‌های مکرر

معنابخشی، کنش، بازاندیشی و نهادینه‌سازی دوباره ساخته و مستحکم می‌شود. مقوله مرکزی پژوهش پیرامون چهار بعد انسجام تعاملی (خرد)، انسجام نهادی (کلان خانواده)، افق‌مندی (زمان‌مندی پایداری) و جایگیری فرهنگی صورت‌بندی شده است.

خط داستان: یافته‌های مرحله کیفی پژوهش نشان‌دهنده این است که خانواده در معرض مجموعه‌ای از شرایط علی قرار دارد؛ از یک‌سو جهان‌زیست فرهنگ‌گرا، زمینه‌ساز انسجام هستند و از سوی دیگر، عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج و اتمیزه‌شدن زیست خانوادگی، انسجام و پایداری خانواده را تهدید می‌کنند. در چنین شرایطی، شرایط زمینه‌ای همچون هنجارهای انسجام‌بخش (آداب، سنت و اخلاق) و نیز زیست فرهنگی مداخله‌جویانه خانواده‌ها، محیطی دوگانه را فراهم می‌کنند: از یک سو امکان تقویت پیوندها را دارند و از سوی دیگر، در صورت کنترل‌گری و دخالت‌گری افراطی، می‌توانند به مانع تبدیل شوند. بر این بستر شرایط مداخله‌گر نقش مهمی در تسهیل یا تضعیف انسجام و پایداری خانواده دارند. زیست گفت‌وگویی زوجین به‌مثابه منبعی برای معنابخشی و حل تعارض، حلقه‌های ارتباطی خانواده را تقویت می‌کند. اما در مقابل، استیلای رسانه‌ای در صورت نبود سواد و مدیریت رسانه‌ای به فردیت‌گرایی، جایگزینی تعاملات رودررو و فرسایش پیوندها منجر می‌شوند. برای پاسخ به این فشارها نهادهای اجتماعی- فرهنگی می‌بایست به مجموعه‌ای از راهبردها از جمله جامعه‌پذیری زیست فرهنگی، بازآفرینی نظام فرهنگی محلی، تکوین تدریجی امر فرهنگی، ساده‌سازی مناسک ازدواج متوسل شوند و با این راهبردها حلقه‌های بازتولید انسجام تعاملی- نهادی را فعال سازند. در نهایت، این فرایندها در قالب مقوله مرکزی پژوهش یعنی «پایداری خانواده به‌مثابه بازتولید انسجام تعاملی- نهادی در بستر فرهنگ» بروز و ظهور می‌یابند. خانواده پایدار خانواده‌ای است که نه تنها از انسجام تعاملی و نهادی برخوردار است، بلکه این انسجام را به شکلی افق‌دار و مداوم بازتولید می‌کند. پیامد پایداری خانواده و راهبردهای مرتبط با آن، فراتر از سطح خانواده، به توسعه فردی (غنا، فردی و سودمندی فردی)، بسامانی نظام اجتماعی (افزایش انسجام و امنیت اجتماعی) و پایداری نظام حکمرانی (پایداری فرهنگی، اقتصادی و حقوقی) منجر می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که چگونه خانواده، در دل شرایط علی و زمینه‌ای متعارض و در مواجهه با شرایط مداخله‌گر پیچیده، با اتخاذ راهبردهای فرهنگی و ارتباطی، می‌تواند به بازتولید انسجام خود دست یابد و نه تنها خود را پایدار نگاه دارد، بلکه زمینه‌ساز توسعه فردی و پایداری اجتماعی و حکمرانی نیز شود.

توصیف نمونه آماری پژوهش بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی بیانگر این است:

- مردان ۴۸/۸ درصد از نمونه آماری پژوهش و زنان ۵۱/۳ درصد را تشکیل داده‌اند؛ بنابراین زنان درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.
- سن ۹/۳ درصد از نمونه آماری پژوهش بین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۳۵/۸ درصد بین ۳۰ تا ۳۹ سال، ۳۶ درصد بین ۴۰ تا ۴۹ سال، ۱۵/۳ درصد بین ۵۰ تا ۵۹ سال و ۶/۸ درصد نیز ۶۰ سال و بالاتر است. بر این اساس، درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش به افراد در بازه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال اختصاص یافته است.
- با توجه به متغیر سن ازدواج، کمینه سن ازدواج نمونه آماری پژوهش ۱۵ سال و بیشینه ۴۵ سال است، بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که سن ازدواج آنها ۲۰ سال است، سن ازدواج نیمی از نمونه آماری پژوهش کمتر از ۲۴ سال و نیمی بالاتر از این مقدار است، میانگین سن ازدواج نمونه آماری حدود ۲۴ سال است.

- برحسب متغیر فاصله سنی با همسر، کمینه فاصله سنی در نمونه آماری پژوهش ۰ سال و بیشینه ۲۰ سال است، بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که فاصله سنی آنها ۲۰ سال است، فاصله سنی نیمی از نمونه آماری پژوهش کمتر از ۵ سال و نیمی بالاتر از این مقدار است و در نهایت میانگین فاصله سنی با همسر نیز ۵ سال است.
- برحسب متغیر تحصیلات ۹ درصد از نمونه آماری پژوهش دارای تحصیلات زیردیپلم، ۱۸/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۹/۸ درصد فوق دیپلم، ۳۶/۵ درصد لیسانس، ۱۶/۵ درصد فوق لیسانس، ۶/۳ درصد دکترا و ۳/۸ درصد نیز دارای تحصیلات حوزوی هستند؛ بنابراین افراد دارای تحصیلات لیسانس درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.
- ازدواج ۳۷/۵ درصد از نمونه آماری پژوهش از نوع سنتی (با واسطه خویشاوندان)، ۳۹/۵ درصد نیمه سنتی (آشنایی اولیه توسط خانواده، تصمیم‌گیری نهایی با فرد)، ۶/۸ درصد مدرن (آشنایی و انتخاب فردی بدون نقش خانواده)، ۱۲/۳ درصد عاشقانه (با شناخت و احساس عمیق پیش از ازدواج)، ۰/۸ درصد از طریق فضای مجازی و ۳/۳ درصد ازدواج اجباری یا بدون رضایت کامل بوده است؛ بنابراین افراد دارای ازدواج از نوع سنتی و نیمه سنتی درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.

پرسش (۱): پایداری خانواده در بین شهروندان شهر اصفهان در چه وضعیتی است؟

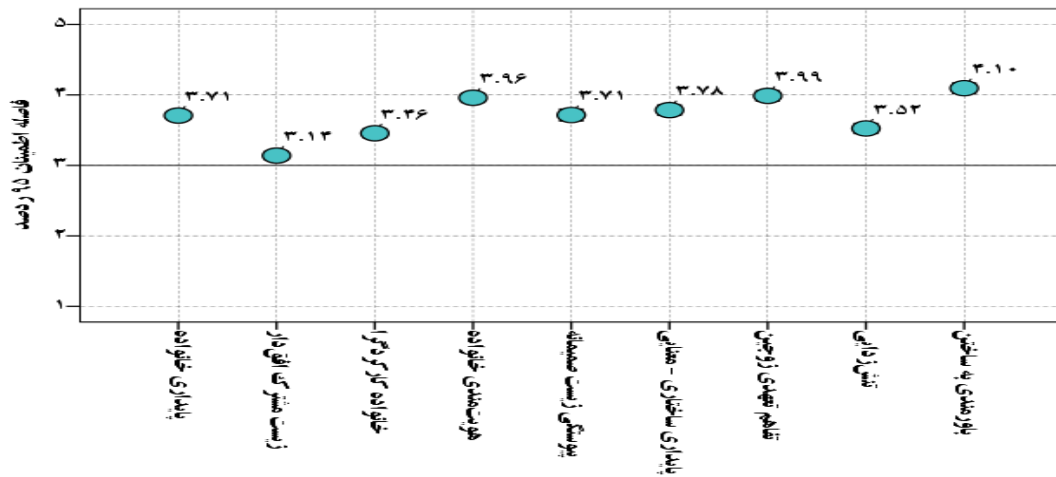
برای پاسخ به این پرسش از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. معیار ارزیابی وضعیت پایداری خانواده با توجه به طیف سنجش این متغیر (۱ تا ۵) عدد سه بوده است. برآوردهای مربوطه در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۱۴. برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای سنجش وضعیت پایداری خانواده

متغیر	آمار توصیفی	آمار استنباطی	Test Value: ۳		
	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره t	درجه آزادی
پایداری خانواده	۳/۷۱	۰/۵۴	۰/۷۱	۲۶/۴۵	۳۹۹
زیست مشترک افق‌دار	۳/۱۴	۰/۶۱	۰/۱۴	۴/۵۲	
خانواده کارکردگرا	۳/۴۵	۰/۶۰	۰/۴۵	۱۵/۱۵	
هویت‌مندی خانواده	۳/۹۵	۰/۶۲	۰/۹۶	۳۰/۹۲	
پیوستگی زیست صمیمانه	۳/۷۱	۰/۸۳	۰/۷۱	۱۷/۳۵	
پایداری ساختاری - معنایی	۳/۷۸	۰/۷۱	۰/۷۸	۲۲/۰۸	
تفاهم تعهدی زوجین	۳/۹۸	۰/۷۲	۰/۹۹	۲۷/۶۳	
تنش‌زدایی	۳/۵۲	۰/۷۰	۰/۵۲	۱۴/۹۹	
باورمندی به ساختن	۴/۰۹	۰/۷۱	۱	۳۰/۷۶	

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است که میانگین متغیر پایداری خانواده و ابعاد آن در بین جامعه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) و دارای تفاوت معنادار ($Sig < ۰/۰۵$) با این مقدار هستند. بنابراین در پاسخ به این پرسش که پایداری خانواده در بین شهروندان شهر اصفهان در چه وضعیتی است؟ می‌توان گفت در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد.

1. One sample T test

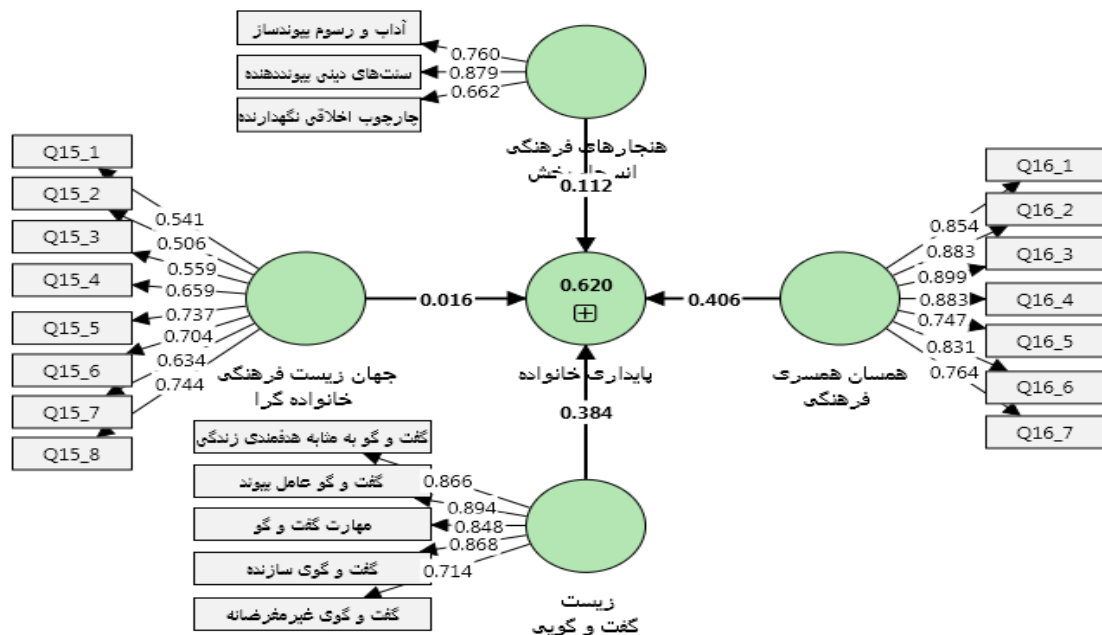


شکل ۱. برآورد وضعیت پایداری خانواده در بین شهروندان

در این قسمت با استفاده از رویکرد مدل سازی معادله ساختاری واریانس محور مدل های تجربی پژوهش برآزش شده اند. دلیل اصلی استفاده از این رویکرد ماهیت اکتشافی مطالعه حاضر است.

فرضیه (۱). عوامل فرهنگی از جمله جهان زیست فرهنگی خانواده گرا، هنجارهای فرهنگی انسجام بخش، همسان همسری فرهنگی و زیست گفت و گویی بر پایداری خانواده تأثیر دارند.

برآوردهای مربوط به آزمون فرضیه بالا شامل شاخص های ارزیابی کلیت مدل و پارامترهای اصلی این مدل [اثر عوامل فرهنگی بر پایداری خانواده] در شکل و جداول زیر گزارش می شود:

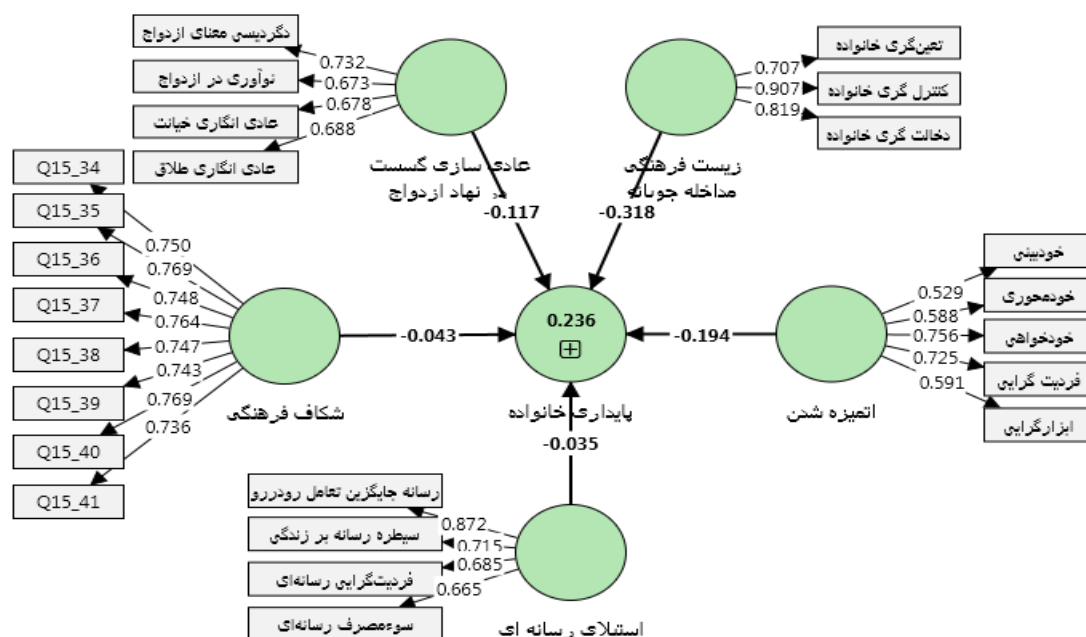


شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر عوامل فرهنگی بر پایداری خانواده

برحسب مقادیر جدول بالا: الف. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌های برازش تا حد زیادی دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. ب. عوامل فرهنگی در مجموع ۶۳ درصد از واریانس متغیر پایداری خانواده را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر این عوامل در حد بالایی توان تبیین و اریانس پایداری خانواده را در جامعه آماری پژوهش دارند. ج. اثر متغیرهای هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش، همسان‌همسری فرهنگی و زیست‌گفت‌وگویی بر پایداری خانواده به ترتیب برابر با (۰/۳۸، ۰/۴۱، ۰/۱۱) (Beta=) و به لحاظ آماری معنادار است (۰/۰۵ ≤ p). مقادیر ضریب تأثیر نشان‌دهنده اثر مستقیم و ضعیف هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش و اثر مستقیم و قوی متغیرهای همسان‌همسری فرهنگی و زیست‌گفت‌وگویی بر پایداری خانواده است. به این معنا که تقویت هنجارهای فرهنگی انسجام‌بخش در بین بخش کوچکی از جامعه آماری و تقویت همسان‌همسری فرهنگی و زیست‌گفت‌وگویی در بین بخش زیادی از جامعه آماری پژوهش می‌تواند منجر به تقویت پایداری خانواده شود. د. اثر متغیر جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا بر پایداری خانواده به لحاظ آماری معنادار نیست (۰/۰۵ > p). به عبارت دیگر، میزان اثر ضعیف این متغیر بر پایداری خانواده در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

فرضیه (۲). موانع فرهنگی از جمله اتمیزه‌شدن، عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج، شکاف فرهنگی، زیست فرهنگی مداخله‌جویانه و استیلی رسانه‌ای بر زیست خانوادگی، بر پایداری خانواده تأثیر دارند.

برآوردهای مربوط به آزمون فرضیه بالا شامل شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل و پارامترهای اصلی این مدل [اثر موانع فرهنگی بر پایداری خانواده] در شکل و جداول زیر گزارش می‌شود:



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر موانع فرهنگی بر پایداری خانواده

جدول ۱۶. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و ضرایب تأثیر

کلیت مدل					
شاخص			Q ²		
مقدار			۰/۱۴		
ضرایب			NFI		
			۰/۸۵		
متغیر مستقل			SRMR		
			۰/۰۷		
مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	برآورد		
			Beta	CR	P. Value
---	اتمیزه شدن	پایداری خانواده	-۰/۱۹	-۴/۴۸	۰/۰۰۱
	عادی‌سازی گسست		-۰/۱۲	-۲/۳۷	۰/۰۱۸
	شکاف فرهنگی		-۰/۰۴	-۱	۰/۳۱۳
	زیست فرهنگی مداخله‌جویانه		-۰/۳۲	-۵/۹۳	۰/۰۰۱
	استیلا رسانه‌ای		-۰/۰۳	-۰/۷۰	۰/۴۸۳

برحسب مقادیر جدول بالا: الف. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین‌شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌های برازش دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. ب. موانع فرهنگی در مجموع ۲۴ درصد از واریانس متغیر پایداری خانواده را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر این موانع در حد متوسط توان تبیین واریانس پایداری خانواده را در جامعه آماری پژوهش دارند. ج. اثر متغیرهای اتمیزه‌شدن، عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج و زیست فرهنگی مداخله‌جویانه بر پایداری خانواده به ترتیب برابر با $(\beta = -0.19, -0.12, -0.32)$ و به لحاظ آماری معنادار است $(p < 0.05)$. مقادیر ضریب تأثیر نشان‌دهنده اثر معکوس و در حد متوسط این متغیرها بر پایداری خانواده است. به این معنا که تقویت این موانع در بین بخش قابل توجهی از جامعه آماری پژوهش می‌تواند منجر به تضعیف پایداری خانواده شود. د. اثر متغیرهای شکاف فرهنگی و استیلا رسانه‌ای بر پایداری خانواده به لحاظ آماری معنادار نیست $(p > 0.05)$. به عبارت دیگر، میزان اثر ضعیف این متغیرها بر پایداری خانواده در

نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که پایداری خانواده در جامعه شهری اصفهان پدیده‌ای چندلایه است که از برهم‌کنش مجموعه پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی، هنجاری، ارتباطی و ساختاری تأثیر می‌پذیرد. نتایج مرحله کمی نشان داد که عوامل فرهنگی ۶۲ درصد از واریانس پایداری خانواده و موانع فرهنگی ۲۴ درصد از آن را تبیین می‌کنند. این یافته بیانگر آن است که ساختارهای فرهنگی-ارزشی، بیش از هر عامل دیگری در شکل‌دهی، تضعیف یا تقویت پایداری خانواده نقش دارند. این نتیجه با تأکید دورکیم بر نقش «نظم اخلاقی مشترک» در بقای نهادهای اجتماعی کاملاً هم‌خوان است؛ وی معتقد بود که انسجام خانواده زمانی پایدار می‌ماند که اعضا در یک نظام ارزشی و اخلاقی مشترک زندگی کنند (Durkheim, 2023). در همین راستا، پارسونز نیز تأکید کرده است که خانواده تنها زمانی می‌تواند کارکردهای خود را به‌درستی ایفا کند که در پیوندی ارگانیک با نظام فرهنگی قرار داشته باشد و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک بر روابط اعضا حاکم باشد (Parsons, 2013). بررسی عمیق‌تر یافته‌ها نشان داد که عواملی همانند جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا، هنجارهای انسجام‌بخش، زیست گفت‌وگویی، همسان‌همسری فرهنگی و نیز کاهش شکاف فرهنگی بیشترین سهم را در تقویت پایداری خانواده داشتند. این یافته با نتایج پژوهش چیتساز که نشان داد تغییرات فرهنگی بین‌نسلی نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات خانواده دارند هم‌راستا است (Chitsaz, 2023). درواقع هرچه خانواده‌ها در یک جهان‌زیست فرهنگی مشترک و معنادار زندگی کنند، زمینه بیشتری برای هم‌فهمی، حل تعارض و تعریف هویت مشترک خواهند داشت. همین نکته در پژوهش هائو نیز تأکید شده است که فرهنگ خانواده یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های پایداری ازدواج در چین است (Hao, 2022).

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که عادی‌سازی گسست در نهاد ازدواج، اتمیزه‌شدن، استیلای رسانه‌ای و زیست فرهنگی مداخله‌جویانه از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده پایداری خانواده هستند. این یافته با پژوهش‌های متعدد درباره تغییرات سبک زندگی شهری در ایران و جهان سازگار است. برای نمونه، مطالعه فرهود و همکاران در کرمانشاه نشان داد که مدرن‌شدن و شهرنشینی بدون تقویت سرمایه‌های فرهنگی می‌تواند به گسست معانی خانوادگی و تضعیف پیوندهای هنجاری منجر شود (Farahoudeh et al., 2025). پژوهش یارانادیاز نیز در تحلیل عدم یکپارچگی خانواده نشان می‌دهد که گسست فرهنگی و کاهش مهارت‌های ارتباطی از عوامل کلیدی تضعیف انسجام خانوادگی‌اند (Jarana-Díaz et al., 2021). همچنین پژوهش آکانله در نیجریه نیز نشان داده است که تغییر نقش‌های جنسیتی در بستر فردگرایانه می‌تواند روابط خانوادگی را شکننده کند (Akanle & Nwaobiala, 2019).

عامل «اتمیزه‌شدن» در این پژوهش نیز در تبیین پایداری خانواده اثر معناداری داشت. این مفهوم با یافته‌های بوردیو درباره محوریت هابیتوس و ارزش‌های مشترک در بازتولید خانواده مطابقت دارد؛ بوردیو تأکید می‌کند که فردگرایی رادیکال و اولویت‌یافتن منافع شخصی انسجام خانوادگی را فرومی‌کاهد (Bourdieu, 2020). همچنین لیوبتیک در تحلیل خود از کارکردهای خانواده در دنیای معاصر نشان می‌دهد که خانواده بدون پیوندهای عاطفی و مشارکت مسئولانه، به نهادی شکننده و کم‌اثر تبدیل می‌شود (Ljubetić & Roić, 2020). پژوهش کوناو و فامبی نیز در آمریکا نشان داد که ثبات خانوادگی به مجموعه‌ای از پیوندهای عاطفی، نظم‌مند و آگاهانه وابسته است که در نبود آن‌ها، کودکان در معرض آسیب‌های اجتماعی و روانی قرار می‌گیرند (Cavanagh & Fomby, 2019).

استیلای رسانه‌ای نیز به‌عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر در تحلیل پایداری خانواده مطرح شد. نتایج نشان داد که جایگزینی تعاملات رودررو با رسانه دیجیتال موجب تضعیف مهارت‌های ارتباطی و کاهش صمیمیت زوجین می‌شود. این یافته با پژوهش یو درباره کیفیت ارتباط زناشویی در میان زوجین کره‌ای سازگار است؛ او نشان داد که کیفیت ارتباط یکی از اصلی‌ترین عوامل رضایت و پایداری زناشویی است (Yoo, 2020). همین نکته در پژوهش جمیشیدی‌ها نیز از منظر جنسیتی تأکید شده است که فرهنگ مدرن و رسانه‌ای می‌تواند نقش‌های جنسیتی و الگوهای ارتباطی را دگرگون ساخته و پیوندهای خانوادگی را سست کند (Jamshidiha et al., 2013).

زیست‌گفت‌وگویی که یکی از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر در پژوهش حاضر بود، نقش مستقیمی در تقویت پایداری خانوادگی داشت. این یافته با نظریات بایلز و پارسونز درباره نقش نظام‌مند ارتباطات در حفظ انسجام خانواده همخوان است (Bales & Parsons, 2014). مهارت گفت‌وگو و توانایی حل تعارض نه تنها عامل پایداری خانواده است، بلکه در ادبیات پژوهش برون‌مرزی نیز به‌عنوان محور ثبات زناشویی شناخته شده است؛ چنان‌که هامیلتون نیز نشان داد پیوند عاطفی و ارتباطی ستون اصلی انسجام خانواده در فرهنگ‌های اسلاواک و آمریکایی است (Hamilton, 2013).

نتایج کمی در خصوص اثر مثبت و معنادار جهان‌زیست فرهنگی خانواده‌گرا نشان داد که خانواده‌هایی که هویت فرهنگی، ارزش‌های مشترک و نگرش‌های خانواده‌محور دارند، پایداری بیشتری را تجربه می‌کنند. این مطلب با یافته‌های محققانی چون مهدیزاده که نشان دادند ارزش‌های دینی و اخلاقی ستون اصلی پایداری خانواده‌اند همسو است (Mahdizadeh et al., 2019). در همین راستا پژوهش تاجبخش و همکاران نیز نشان داد که محبت، مسئولیت‌پذیری، اخلاق و عدالت عناصر اصلی یک خانواده پایدار از منظر معارف اسلامی هستند (Tajbakhsh et al., 2022). پژوهش غاسمی‌طوسی نیز تأکید می‌کند که مفاهیم اخلاقی برگرفته از متون دینی نقش کلیدی در تقویت انسجام خانوادگی ایفا می‌کنند (Ghasemi-Tusi & Fakhar-Maibadi, 2016).

همچنین یافته‌های این پژوهش در خصوص نقش همسان‌همسری فرهنگی همسو با پژوهش‌های شادی و ناتری است. ناتری و همکاران در مطالعه خود نشان دادند که زوجینی که ارزش‌ها، باورها و سبک‌های زندگی مشابه دارند، از ثبات بیشتری برخوردارند (Majid Nateri et al., 2023). همین نکته در پژوهش‌های بین‌المللی نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال، یافته‌های سوانووا در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که سازگاری ارزشی و نگرشی میان زوجین یکی از عوامل کلیدی پایداری خانواده است (Suvonova, 2025).

هنجارهای انسجام‌بخش شامل آداب، سنت‌ها و قواعد اخلاقی نیز تأثیر چشمگیری در تقویت پایداری خانواده داشتند. این یافته با پژوهش حاجیان‌مقدم سازگار است که نشان می‌دهد خانواده‌های قوی معمولاً بر پایه ارزش‌های اخلاقی و سنت‌های مشترک اداره می‌شوند (Hajian et al., 2015). این نتیجه با تحلیل چیتساز درباره نقش ساختارهای کنش فرهنگی در ثبات خانواده همخوان است (Chitsaz, 2023). مطالعه داوری-دولت‌آبادی نیز با تأکید بر آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که سنت‌های اخلاقی در تحکیم خانواده نقش پیشگیرانه و ثبات‌بخش دارند (Davari-Dolatabadi & Panam, 2023).

از سوی دیگر، شکاف فرهنگی میان نسل‌ها به‌عنوان عامل تهدیدکننده پایداری خانواده در این پژوهش شناخته شد. این یافته با پژوهش‌های متعددی که بر افزایش تعارضات بین‌نسلی در جامعه ایران تأکید دارند مطابقت دارد؛ از جمله مطالعه کاظمی‌پور درباره تحولات نهادی ازدواج و طلاق در ایران (Kazemi-Pour, 2022). همچنین پژوهش میلاد و عباسی‌شوازی نیز نشان داد که تغییرات ساختاری خانواده طی چهار دهه اخیر با کاهش پیوندهای مشترک هنجاری در نسل‌های مختلف همراه بوده است (Milad & Abbasi Shavazi, 2020).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کنند که پایداری خانواده نه تنها به کیفیت روابط درونی بستگی دارد، بلکه به ساختارهای فرهنگی، هنجاری و ارتباطی گسترده‌تری مرتبط است. این نتیجه با پژوهش‌های متعدد، از جمله ارزی‌ال درباره نقش ارزش‌های اخلاقی (Erizal et al., 2025)، پژوهش موردی درباره سیاست‌های فرهنگی (Moradi, 2021)، و مطالعه لیوبتیک درباره پیچیدگی کارکرد خانواده در محیط مدرن (Ljubetić & Roić, 2020) کاملاً هم‌راستا است.

در نهایت می‌توان گفت پایداری خانواده در اصفهان در بستری شکل می‌گیرد که در آن معانی فرهنگی، مهارت‌های ارتباطی و هنجارهای انسجام‌بخش در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر عمل می‌کنند؛ درحالی‌که رسانه، تغییرات نسلی و افزایش فردگرایی نقش تضعیف‌کننده دارند. این نتایج اهمیت توجه به مداخلات فرهنگی، آموزشی و ارتباطی را برای تقویت خانواده ایرانی برجسته می‌سازد.

این پژوهش همانند همه مطالعات اجتماعی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. نخست آنکه به‌رغم حجم نمونه مناسب در بخش کمی، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر شهرها نیازمند احتیاط است؛ زیرا زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی اصفهان ویژگی‌های خاص خود را دارد. دوم آنکه داده‌های کیفی مبتنی بر مصاحبه با متخصصان بود و تجربه زیسته زوجین در مرحله کیفی مستقیماً بررسی نشد. سوم آنکه پدیده‌هایی مانند استیلای رسانه‌ای یا شکاف فرهنگی ابعاد عمیق و چندسطحی دارند که سنجش آن‌ها در قالب پرسشنامه ممکن است محدودیت‌هایی در دقت اندازه‌گیری ایجاد کرده باشد. چهارم آنکه پایداری خانواده تحت تأثیر عوامل اقتصادی نیز هست که در این پژوهش نقش آن‌ها به‌طور مستقیم تحلیل نشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی از روش‌های قوم‌نگارانه برای فهم عمیق‌تر جهان‌زیست خانوادگی در مناطق مختلف ایران استفاده کنند. همچنین لازم است نقش شبکه‌های اجتماعی، اقتصاد خانواده، سیاست‌های حمایتی و سبک‌های جدید زیست خانوادگی در مطالعات چندسطحی بررسی شود. انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای میان شهرهای بزرگ و کوچک می‌تواند تفاوت الگوهای پایداری خانواده را آشکارتر کند. بررسی نقش فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی در تعاملات خانوادگی نیز موضوعی نو و مهم برای آینده است. بر اساس یافته‌ها، تقویت آموزش مهارت‌های گفت‌وگویی، توسعه برنامه‌های فرهنگی برای کاهش شکاف نسلی، حمایت از سیاست‌های تسهیل‌گر همسان‌همسری فرهنگی، و کنترل اثرات منفی رسانه‌های دیجیتال ضروری است. همچنین پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مشاوره‌ای مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی محلی طراحی شود و سیاست‌گذاران شهری به نقش محیط اجتماعی در تقویت خانواده توجه ویژه داشته باشند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract Introduction

Family sustainability has emerged as a central concern in contemporary sociological research, particularly as families across diverse cultural contexts face complex transformations driven by globalization, urbanization, digitalization, and shifting value systems. Classical sociological theorists emphasize the foundational role of the family in producing social order and cohesion. Durkheim conceptualizes social stability as dependent upon a shared moral order, asserting that disruptions in normative structures can weaken family integrity and contribute to instability (Durkheim, 2023). Parsons likewise situates the family at the intersection of cultural and social systems, arguing that its capacity to socialize children and maintain adult personality stability requires a strong alignment with cultural norms and institutional expectations (Parsons, 2013). Building on this, Bales and Parsons highlight communication patterns and internal interaction processes as essential mechanisms through which familial harmony and resilience are preserved (Bales & Parsons, 2014).

More contemporary scholarship extends this line of inquiry by examining family sustainability through cultural, normative, relational, and institutional lenses. For instance, Bourdieu's concept of habitus underscores how families reproduce cultural values and shared dispositions, suggesting that disruptions in cultural continuity can destabilize family cohesion (Bourdieu, 2020). Research in global settings further illustrates these dynamics. Cavanagh and Fomby identify family stability as a key determinant of children's social and emotional development (Cavanagh & Fomby, 2019). Jarana-Díaz and colleagues demonstrate that lack of family integrity is closely tied to cultural fragmentation, emotional disconnection, and weakened role structures (Jarana-Díaz et al., 2021).

Studies in diverse societies provide additional insight into the cultural specificity of family resilience. Hamilton's comparative research reveals that cultural norms shape family organization and relational expectations across groups (Hamilton, 2013), while Hao shows that family culture strongly predicts marital stability in China (Hao, 2022). Yoo's work on Korean families emphasizes that gender-role attitudes and communication quality are central to marital satisfaction and continuity (Yoo, 2020). In Nigeria, Akanle documents how shifts in gendered economic roles may strain familial relationships, illustrating the fragility of family systems during cultural transition (Akanle & Nwaobiala, 2019).

In Iran, rapid social and cultural changes over recent decades—including urbanization, shifting marital norms, changing gender expectations, and evolving value systems—have contributed to new complexities in family life. Research documents substantial transformations in household structures, marriage patterns, and intergenerational relations. Milad and Abbasi-Shavazi show that four decades of household change have weakened previously stable family forms and created new patterns of relational strain (Milad & Abbasi Shavazi, 2020). Kazemi-Pour highlights considerable transformations in marriage and divorce, indicating a cultural shift in expectations and behaviors within Iranian families (Kazemi-Pour, 2022). Jamshidiha and colleagues identify the influence of modern culture and gender perspectives on changing family dynamics in Tehran (Jamshidiha et al., 2013).

A growing body of Iranian research has focused specifically on the cultural and ethical foundations of family sustainability. Ghasemi-Tusi emphasizes the role of religious and ethical teachings in strengthening family systems (Ghasemi-Tusi & Fakhar-Maibadi, 2016). Hajian-Moghadam identifies characteristics of strong Iranian families, including respect, emotional support, shared values, and effective communication (Hajian-Moghadam et al., 2015). Mahdizadeh proposes an Islamic model of family sustainability grounded in moral commitments and mutual rights (Mahdizadeh et al., 2019). Similarly, Tajbakhsh demonstrates that from the perspective of Imam Reza (AS), a sustainable and effective family is one built upon affection, responsibility, justice, and ethical consistency (Tajbakhsh et al., 2022). Majid Nateri's study on Iranian maritime employees further highlights the role of individual responsibility, shared identity, and adaptive communication in strengthening family

resilience (Majid Nateri et al., 2023). In a broader socio-cultural analysis, Moradi discusses the implications of post-revolutionary cultural policies for family life in Iran (Moradi, 2021).

Recent works emphasize the intensifying role of generational gaps and cultural fragmentation. Chitsaz's generational analysis reveals that younger generations often hold different expectations about marriage, communication, autonomy, and family roles compared to older generations, posing challenges to family cohesion (Chitsaz, 2023). Farahoudeh's study in Kermanshah demonstrates that local cultural transformations significantly influence family relationships and resilience (Farahoudeh et al., 2025). Suvonova identifies several global factors—including gender norms, cultural alignment, and socio-economic context—that shape family stability (Suvonova, 2025).

Finally, ethical values have also been recognized as essential components of sustainable family systems. Erizal's research using the ethical values framework demonstrates that sustained commitment to compassion, cooperation, and moral responsibility enhances resilience among modern families (Erizal et al., 2025). Davari-Dolatabadi highlights the role of Islamic teachings in preventing divorce and maintaining family unity (Davari-Dolatabadi & Panam, 2023).

Taken together, these studies underscore that family sustainability is not merely relational or emotional but also deeply cultural, ethical, and structural. The current research builds upon these foundations by exploring the cultural structures influencing family sustainability in urban Isfahan—an important historical and metropolitan center where traditional values and modern lifestyles intersect.

Methods and Materials

This study employed a mixed-method exploratory sequential design. The qualitative phase used the systematic grounded theory approach based on semi-structured interviews with experts specializing in family studies. Data were coded through open, axial, and selective coding to identify core categories and generate a conceptual model. The quantitative phase consisted of a survey conducted among 400 married residents of Isfahan using a researcher-made questionnaire derived from qualitative findings. Data analysis included descriptive statistics and structural equation modeling using variance-based SEM. Reliability and validity assessments were performed using factor loadings, AVE, Cronbach's alpha, and composite reliability.

Findings

Qualitative findings identified a multilayered conceptual model of family sustainability composed of causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and outcomes. Cultural structures—including meaningful cultural lifeworlds, normative cohesion, dialogical communication patterns, and cultural homogeneity—emerged as central determinants of sustainable family functioning. Threatening conditions included normalization of marital disruption, cultural fragmentation, media dominance, and excessive familial intervention.

Quantitative results demonstrated that cultural factors explained 62% of the variance in family sustainability, while cultural barriers explained an additional 24%. Family sustainability scores were significantly above the theoretical midpoint. Subscales such as long-term shared life orientation, functional family identity, intimate cohesion, structural-semantic stability, and commitment-based understanding all scored significantly higher than average. Normalization of marital disruption, atomization, and media dominance were negatively associated with sustainability.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that family sustainability in urban Isfahan is deeply embedded in cultural, communicative, and normative structures. Families that maintain shared cultural values and strong identity experience greater stability, whereas those exposed to increasing individualism, cultural fragmentation, and media intrusion face weakened cohesion. Effective communication stands out

as a key mechanism that allows families to negotiate challenges, maintain emotional bonds, and preserve their relational identity.

The results show that sustainability arises from the interplay between micro-level interactions and macro-level cultural norms. Families thrive when their internal dynamics align with cultural frameworks that support responsibility, mutual respect, and continuity of shared meanings. Conversely, when external pressures such as generational gaps or modern lifestyles disrupt these meanings, families become more vulnerable to conflict and instability.

Overall, this research underscores that family sustainability is not merely a psychological or interpersonal phenomenon but a cultural process that depends on the consistent reproduction of shared norms, values, and communication practices. Strengthening these cultural foundations may play a crucial role in promoting long-term resilience among families in urban contexts such as Isfahan.

References

- Akanle, O., & Nwaobiala, U. R. (2019). Changing but Fragile: Female Breadwinning and Family Stability in Nigeria. *Journal of Asian and African Studies*, 55(3), 398-411. <https://doi.org/10.1177/0021909619880283>
- Bales, R. F., & Parsons, T. (2014). *Family: Socialization and interaction process*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315824307>
- Bourdieu, P. (2020). *Outline of a theory of practice*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003060963-11>
- Cavanagh, S. E., & Fomby, P. (2019). Family stability in the lives of American children. *Annual Review of Sociology*, 45, 493-513. <https://doi.org/10.1146/annurev-soc-073018-022633>
- Chitsaz, M. J. (2023). The Iranian Family and Cultural-Social Transformations: A Generational Analysis. *Quarterly Journal of Iranian Social Issues*, 14(1), 112-189. <https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.89>
- Davari-Dolatabadi, M., & Panam, E. (2023). The Comprehensiveness of Islam in the Area of Family Sustainability (Case Study: Solutions to Prevent Divorce). National Conference on the Holy Quran; Comprehensiveness and Global Nature, <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1796431>
- Durkheim, E. (2023). *The division of labor in society*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003320609-4>
- Erizal, E., Zahra, L. A., & Candra, A. (2025). Analysis of family resilience through the ethical values theory approach. STAI Madrasah Arabiyah Bayang Pesisir Selatan, Indonesia, <https://ejournal.staimabayang.ac.id/index.php/samawa/article/view/7>
- Farahoudeh, F., Naghdizadeh, A., Sabzeh-ei, M. T., & Imani Jajarmi, H. (2025). A Sociological Study of Family Transformations in Kermanshah City. *Strategic Researches on Social Issues*, 14(48), 86-61. https://ssoss.ui.ac.ir/article_29318.html
- Ghasemi-Tusi, M. I., & Fakhra-Maibadi, M. (2016). Ethical and Educational Reflections on Family Sustainability Based on Relevant Verses and Narrations. *Journal of Ethics Research*, 9(33), 36-37. https://akhlagh.maaref.ac.ir/browse.php?a_id=323&sid=1&slc_lang=fa
- Haghighi, M., & Abbaszadeh, M. (2024). Investigating Key Components of a Sustainable Family in Society. In the Second International Conference on Urban Management and Urban Planning, <https://civilica.com/doc/2201922/>
- Hajian-Moghadam, F., Ghafari, G., & Salehi Amiri, R. (2015). Characteristics of Strong Iranian Families: A Review of Research Conducted from 2010 to 1995. *Women in Culture and Art*, 7(1), 156-137. <https://ensani.ir/fa/article/539353/>
- Hamilton, S. D. (2013). *Integrity of family: A comparison of two cultures' characteristics of family organization* [ProQuest Dissertations Publishing]. <https://search.proquest.com/openview/41b863d99cb402f9c822a7f38df84c3d/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Hao, L. (2022). The power of family: The impact of family culture on marriage stability in China. *Chinese Journal of Sociology*, 8(1), 79-103. <https://doi.org/10.1177/2057150X211067297>
- Heidari, H., Jahani Dolatabad, I., Chitsaz, M. J., & Gholich, M. (2024). Family Sustainability and Strength and the Factors Affecting It: A Secondary Analysis of National Family Survey Data. *Journal of Family and Research*, 21(65), 44-23. https://qjfr.ir/browse.php?a_code=A-10-424-3&sid=1&slc_lang=fa
- Jamshidiha, G., Sadeghi-Fasai, G., & Loolavar, M. (2013). A Sociological Perspective on the Impact of Modern Culture from a Gender Perspective on Family Transformations in Tehran. *Journal of Women in Culture and Art*, 5(2), 198-183. <https://www.sid.ir/paper/160474/>

- Jarana-Díaz, T., Romero-Martín, M., Ponce-Blandón, J. A., & Jiménez-Picón, N. (2021). Integrative review of related factors and defining characteristics of lack of family integrity. *International Journal of Nursing Knowledge*, 32(1), 44-52. <https://doi.org/10.1111/2047-3095.12289>
- Kazemi-Pour, S. (2022). Family Transformations in Contemporary Iran with Emphasis on Marriage and Divorce. *Scientific Quarterly Journal of Deviance Studies and Social Issues*, 4, 126-195. <https://www.sid.ir/paper/1137348/fa>
- Ljubetić, M., & Roić, M. (2020). Family functionality and functions in the contemporary social context: A contribution to theoretical considerations. *International Journal of Arts Humanities and Social Sciences Studies (IAHSSS)*, 5. <https://www.academia.edu/download/67478626/1179451309.pdf>
- Mahdizadeh, A., Yousefi, Z., & Golparvar, M. (2019). Designing a Model for Family Sustainability Based on Islamic Teachings. *Islamic Women and Family Research Journal*, 7(17), 74-33. https://pzk.journals.miu.ac.ir/article_2768.html
- Majid Nateri, M., Esmaeili, M., & Khodadadi Sangdeh, J. (2023). Identifying Factors Influencing the Sustainability of Families of Employees at the Ports and Maritime Organization of the Islamic Republic of Iran. *Scientific-Cultural Quarterly Journal of Women and Family*, 18(62), 38-11. <https://ensani.ir/fa/article/546056/>
- Milad, B., & Abbasi Shavazi, M. J. (2020). Dynamics of Households in Iran: A Study of Four Decades of Changes in Family Structure and Households. *Journal of the Iranian Demographic Association*, 15(30), 203-230. https://jnoe.ut.ac.ir/article_10534.html
- Moradi, R. (2021). Analyzing Cultural Policies on Family in Iran After the Revolution. *Scientific Quarterly Journal of Cultural-Communication Studies*, 53(22), 246-223. https://www.jccs.ir/article_130764.html
- Parsons, T. (2013). *The social system*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203992951>
- Suvonova, N. (2025). Factors influencing family stability. *International Journal of Artificial Intelligence*, 1(1), 748-750. <https://inlibrary.uz/index.php/ijai/article/view/70936>
- Tajbakhsh, G., Saraghi, B., & ShirAli, I. (2022). Components of a Sustainable and Effective Family from the Perspective of Imam Reza (AS). *Insight and Islamic Education*, 60, 107-133. <https://www.sid.ir/paper/1038226/fa>
- Tönnies, F., & Loomis, C. P. (2017). *Community and society*. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315080871/community-society-ferdinand-tonnies-loomis>
- Yoo, J. (2020). Gender role attitude, communication quality, and marital satisfaction among Korean adults. *Journal of Family Studies*, 28(3), 1-18. <https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1791230>